



A Jurisprudential Examination of the Criminalization of Privacy Violations by Artificial Intelligence

Morteza Fathi^{*}, Ruhollah Akrami^{**} and Yusuf Ahmadabadi^{***}

Received: 17 February 2026 | Received in revised form: 17 March 2026 | Accepted: 12 May 2026 | Published: 01 July 2026

Abstract

The rapid advancement of artificial intelligence (AI) and its unprecedented capacity to collect, process, and analyze personal data have transformed privacy violations into a fundamental challenge in the digital age. Employing a descriptive-analytical approach and drawing on jurisprudential and principles-of-jurisprudence sources, this study examines the criminalization of this phenomenon in Islamic jurisprudence and its various dimensions. The findings indicate that, through unauthorized access to personal information and its use without informed consent, AI not only violates individual privacy but also paves the way for harm to human dignity and the spread of moral corruption. Moreover, the tension between public interests, such as enhancing security and advancing medical developments, and the fundamental right to privacy -exacerbated by ambiguity surrounding the consent obtained and the complexity of black-box algorithms- raises novel questions in the field of jurisprudence. These issues necessitate an in-depth examination of jurisprudential principles such as *Tazāḥum* (conflict of obligations), *Maṣlaḥat al-aham* (the more important interest), and the conditions governing the validity of permission and contracts. This study argues that respect for the inherent dignity of human beings, prevention of moral degradation, and protection of the sanctity of the home provide solid foundations for criminalizing AI-driven violations of privacy in Islamic jurisprudence. Consequently, the formulation of Shari'ah-based and legal regulations grounded in algorithmic transparency, informed consent, and rigorous jurisprudential oversight of AI applications is essential for achieving a balance between technological advancement and the protection of individual rights and Islamic values. Cooperation among jurists, legal scholars, and technology specialists can provide a coherent and responsible framework for addressing this emerging phenomenon and protecting human and ethical rights in this rapidly evolving digital age.



Keywords: Dissemination of immorality; Criminalization; Personal dignity; Islamic jurisprudence; Privacy violation; Artificial intelligence.

* Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author); Email: m99fathi@yahoo.com

** Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran; Email: r.akrami@qom.ac.ir

*** PhD Graduate in Criminal Law and Criminology and Lecturer, University of Qom, Qom, Iran; Email: yahmdabady@gmail.com

■ Fathi, M., and others, (2026)., A Jurisprudential Examination of the Criminalization of Privacy Violations by Artificial Intelligence. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 4 (2)., 1-20. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12603.1170>



بررسی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی افراد توسط هوش مصنوعی

مرتضی فتحی^{1*}، روح‌الله اکرمی^{2**} و یوسف احمدآبادی^{3***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰

چکیده

پیشرفت شتابان هوش مصنوعی (AI) و توانایی بی سابقه آن در جمع‌آوری، پردازش و تحلیل داده‌های شخصی، نقض حریم خصوصی را به چالشی اساسی در عصر دیجیتال تبدیل کرده است. این مطالعه با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع غنی فقهی و اصولی، به جرم‌انگاری این پدیده در فقه اسلامی و ابعاد مختلف آن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی از طریق دسترس غیرمجاز به اطلاعات شخصی و بهره‌برداری از آن بدون رضایت آگاهانه، نه تنها حریم فردی را نقض می‌کند، بلکه راه را برای آسیب به کرامت انسانی و اشاعه فساد اخلاقی هموار می‌سازد. علاوه بر این، تعارض بین منافع عمومی (مانند ارتقاء امنیت و پیشرفت‌های پزشکی) و حق بنیادین حریم خصوصی، که با ابهام در رضایت‌های اخذ شده و پیچیدگی الگوریتم‌های جعبه سیاه تشدید می‌شود، پرسش‌های نوینی را در حوزه فقهی ایجاد می‌کند. این مسائل مستلزم بررسی عمیق قواعد فقهی مانند «تزاحم»، «مصلحت‌ا هم» و شرایط صحت اجازه و قراردادها است. این تحقیق استدلال می‌کند که احترام به کرامت ذاتی انسان، پیشگیری از انحطاط اخلاقی و پاسداری از حریم مقدس خانه، مبانی مستحکمی برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی در فقه اسلامی فراهم می‌آورد. در نتیجه، تدوین مقررات شرعی و قانونی مبتنی بر شفافیت الگوریتمی، رضایت آگاهانه و نظارت دقیق فقهی بر کاربردهای هوش مصنوعی، برای ایجاد تعادل میان پیشرفت فناوری و حفاظت از حقوق فردی و ارزش‌های اسلامی ضروری است. همکاری میان فقها، حقوقدانان و متخصصان فناوری می‌تواند چارچوبی منسجم و مسئولانه برای رویارویی با این پدیده نوظهور و حفاظت از حقوق انسانی و اخلاقی در این عصر پرشتاب دیجیتال ارائه دهد.



کلیدواژه: اشاعه فحشا، جرم‌انگاری، حیثیت افراد، فقه اسلامی، نقض حریم خصوصی، هوش مصنوعی.

* استاد یار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | m99fathi@yahoo.com

** استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. | r.akrami@qom.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه قم، قم، ایران. | yahmdabady@gmail.com

□ فتحی، مرتضی و دیگران (۱۴۰۵). بررسی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی افراد توسط هوش مصنوعی، پژوهش‌های فقهی

مسائل مستحثة. ۴ (۲)، ۱-۲۰. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.12603.1170>

۱. مقدمه

در عصر حاضر، پیشرفت‌های چشمگیر فناوری به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی (AI) تحولی عظیم در زندگی بشر ایجاد کرده است. این فناوری، ضمن ارائه امکانات بی‌سابقه، چالش‌هایی نوین را نیز به همراه آورده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نقض حریم خصوصی افراد است. هوش مصنوعی با توانایی جمع‌آوری، تحلیل و بهره‌برداری از حجم عظیمی از داده‌های شخصی، می‌تواند به‌صورت آگاهانه یا ناخواسته مرزهای حریم خصوصی را مورد تعرض قرار دهد. این موضوع از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه، پرسش‌هایی اساسی را مطرح می‌کند: آیا چنین تعرضی به حریم خصوصی افراد می‌تواند مصداق جرم تلقی شود؟ مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری این پدیده چیست؟ و چگونه می‌توان میان بهره‌مندی از مزایای هوش مصنوعی و حفظ حقوق بنیادین افراد تعادل برقرار کرد؟ از منظر فقه اسلامی، حریم خصوصی به‌عنوان یکی از اصول مورد تأکید در شریعت، ریشه در آیات قرآن کریم (مانند آیه ۲۷ سوره نور درباره احترام به حریم خانه‌ها) و احادیث نبوی (همچون نهی از تجسس در امور شخصی) دارد. این اصول، هرگونه تعرض به حوزه شخصی افراد را بدون مجوز شرعی حرام می‌دانند. با این حال، پیچیدگی‌های فنی هوش مصنوعی مانند الگوریتم‌های خودکار، تشخیص مصداق نقض حریم خصوصی و تطبیق آن با احکام فقهی را دشوار می‌سازد. برای مثال، آیا استفاده از داده‌های شخصی بدون رضایت صریح فرد، مصداق سرقت یا خیانت در امانت است؟ یا آیا افشای اطلاعات توسط هوش مصنوعی می‌تواند ذیل قواعد حرمت غیبت و هتک حرمت بررسی شود؟

این پرسش‌ها زمانی پیچیده‌تر می‌شوند که به ماهیت غیرملموس و فراگیر هوش مصنوعی توجه کنیم. برخلاف تعرض‌های سنتی به حریم خصوصی که اغلب دارای عامل انسانی مشخص و محدوده‌ای معین بودند، نقض‌های ناشی از هوش مصنوعی می‌توانند در مقیاسی گسترده و به‌صورت پنهان رخ دهند. برای نمونه، سیستم‌های نظارتی هوشمند یا الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده رفتار، قادرند بدون اطلاع فرد، اطلاعات حساس او را استخراج کرده و در اختیار نهادها یا اشخاص ثالث قرار دهند. این امر نه تنها به نقض حریم شخصی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند پیامدهایی چون لطمه به حیثیت افراد، ترویج مفاسد اخلاقی و حتی تضعیف اعتماد اجتماعی را در پی داشته باشد. از منظر فقه اسلامی، چنین پیامدهایی با قواعدی چون حفظ عرض و جلوگیری از اشاعه فحشا ارتباط مستقیم دارند و ضرورت بازنگری در رویکردهای شرعی به این فناوری را مطرح می‌سازند.

علاوه بر این پرسش‌های بنیادین، یکی از چالش‌های کلیدی در مواجهه با هوش مصنوعی، تعارض میان مصالح عمومی ناشی از کاربرد این فناوری (مانند ارتقای امنیت، پیشرفت‌های پزشکی، و بهینه‌سازی خدمات) و حق بنیادین حریم خصوصی افراد است. این تعارض زمانی پیچیده‌تر می‌شود که رضایت کاربران، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و عدم شفافیت در استفاده از داده‌ها، ممکن است فاقد شروط فقهی رضایت آگاهانه (مانند علم به موضوع، قصد، و اختیار) باشد. همچنین، ماهیت «جعبه

سیاه» بسیاری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، مسئله احراز مسئولیت فقهی در قبال سوءاستفاده‌های احتمالی را مطرح می‌کند. این پژوهش تلاش دارد تا ضمن بررسی مبانی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی، به این چالش‌های نوین پرداخته و چارچوب‌های فقهی برای حل آن‌ها ارائه دهد.

این پژوهش با هدف بررسی مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، در صدد است تا ضمن تحلیل اصول شرعی و قانونی، پیشنهادهایی برای رفع خلأهای موجود ارائه دهد. ضرورت این تحقیق نه تنها در تبیین حدود شرعی و قانونی این پدیده، بلکه در ارائه راهکارهایی برای حفظ کرامت انسانی در عصر دیجیتال نهفته است. بدین ترتیب، این مطالعه می‌تواند گامی در جهت هم‌افزایی فقه پویا و حقوق مدرن باشد.

۲. مفهوم‌شناسی نقض حریم خصوصی

اصطلاح نقض حریم خصوصی از سه واژه «نقض»، «حریم» و «خصوصی» تشکیل یافته است؛ لذا برای ارائه مفهوم جامع از آن باید معنای لغوی و اصطلاحی واژگان مذکور تبیین گردد، سپس با استفاده از معنای بدست آمده، تعریفی جامع از نقض حریم خصوصی ارائه نماییم.

از منظر لغوی، واژه «نقض» در زبان فارسی به معنای «شکستن»، «ابطال کردن» یا «تجاوز به حدود چیزی» است. در فرهنگ لغت دهخدا، «نقض» به‌عنوان عملی تعریف شده که به معنای زیر پا گذاشتن یک تعهد، قانون یا حق باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۹۴۵۲). این مفهوم در بستر حریم خصوصی می‌تواند به معنای ورود غیرمجاز به حوزه‌ای باشد که فرد انتظار حفظ آن را دارد.

بنابراین، «نقض» در ارتباط با حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه اقدام غیرمجاز یا غیرقانونی که از طریق فناوری هوش مصنوعی منجر به دسترسی، پردازش، یا افشای اطلاعات شخصی افراد بدون رضایت آگاهانه آن‌ها شود و حق کنترل فرد بر داده‌هایش را مختل کند.» این تعریف هم‌ریشه لغوی (شکستن حدود) و هم جنبه اصطلاحی (تهدید حقوق فردی در بستر فناوری) را در بر می‌گیرد.

«حریم» در لغت عرب از ریشه «حرم» بوده و به دو صورت استعمال می‌شود:

الف) مفرد: به معنای شریک و دوست (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۶، ص ۱۴۳) و چیزی که لمس آن حرام است و نباید به آن نزدیک شد (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۲۲۲).

ب) مرکب: گاه به مال و گاه به انسان اضافه می‌شود. در صورت اضافه به مال به معنای اطراف و پیرامون است؛ مثل «حریم خانه» که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که برای استفاده کامل از خانه به آن نیاز است و در صورتی که به انسان اضافه شود، به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید.

دهخدا ذیل کلمه «حریم» می گوید: چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان زد، چیزی که از آن حمایت کنند و جنگ کنند بر آن. وی با نقل از برخی کتب اضافه نموده که: اصلاً این کلمه را به حریم چاه و اطراف آن اطلاق می کرده اند و سپس جای ممنوع و منهی التقرب را بدین نام نامیدند. هم چنین کسانی که عرض شخص به شمار می روند حریم نامیده می شوند. به نظر دهخدا «خصوصی» در مقابل «عمومی» قرار دارد و اتاق خصوصی اتاقی است که مخصوص فرد باشد و دیگران بدان حقی نداشته باشند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۰۴).

منظور از حریم خصوصی آن توقعی است مبنی بر این که اطلاعات محرمانه شخصی که در یک محیط خصوصی فاش می شود، برای اشخاص ثالث (چنانچه افشای آن موجب ناراحتی یا جریحه دار شدن احساسات شخصی با عواطف معمولی گردد) افشا نخواهد شد. منظور از «اطلاعات» نیز معنای اعم از عکس و فیلم و غیر آن می باشد. حق حریم خصوصی تنها متعلق به افراد است و در مورد اشخاص حقوقی، مانند شرکت های تجاری، غالباً عدم افشای اطلاعات و اسرار شغلی ایشان مدنظر است که جنبه مادی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ش ۷۲، ص ۸۶).

به عبارت دیگر، حریم خصوصی به معنای داشتن محیطی مصون از دخالت و تعرض اغیار است که امروزه در کلیه جوامع متمدن پذیرفته شده و مورد حمایت قرار گرفته است. زیستن در حکومت قانون مستلزم این انتظار معقول است که حریم خصوصی افراد در تمامی ابعاد و مصادیق آن مصون و محترم بماند. این اصل در منابع اصلی شریعت اسلامی مقبول و مورد تأیید و تأکید قرار گرفته و مصادیق گوناگونی از حمایت قانون از حریم خصوصی در قوانین و مقررات موضوعه جمهوری اسلامی پیش بینی شده است (همان، ص ۱۱۶).

با توجه به موارد فوق، «حریم خصوصی» در ارتباط با هوش مصنوعی را می توان این گونه تعریف کرد: «حق طبیعی و قانونی فرد برای حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی، کنترل دسترسی به آن ها، و محافظت از خودمختاری و کرامت انسانی اش در برابر نفوذ یا سوءاستفاده فناوری های هوشمند، به ویژه هوش مصنوعی.»

با توجه به تعاریف ارائه شده برای «نقض» و «حریم خصوصی»، «نقض حریم خصوصی» را می توان به صورت جمع بندی این گونه تعریف کرد: نقض حریم خصوصی عبارت است از هرگونه اقدام غیرمجاز یا ناخواسته که به واسطه آن، کنترل فرد بر اطلاعات شخصی، فضای زندگی یا خودمختاری اش مختل شود، و این امر از طریق دسترسی، جمع آوری، پردازش یا افشای داده ها بدون رضایت آگاهانه او صورت گیرد؛ به ویژه در بستر فناوری هایی مانند هوش مصنوعی که قادر به نفوذ به حوزه های محرمانه زندگی افراد هستند.

۳. نقض حریم خصوصی افراد در حال حاضر به وسیله هوش مصنوعی

در حال حاضر، سیستم‌های هوش مصنوعی از طریق الگوریتم‌های پیشرفته‌ای مانند یادگیری عمیق (Deep Learning) و تحلیل کلان‌داده‌ها (Big Data Analytics) قادر به استخراج اطلاعات حساس افراد، از جمله رفتارها، عادات، موقعیت جغرافیایی و حتی احساسات آن‌ها هستند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۵). به عنوان مثال، استفاده از فناوری شناسایی چهره (Face recognition) در دوربین‌های نظارتی، بدون رضایت صریح افراد، به یکی از مصادیق بارز نقض حریم خصوصی تبدیل شده است. این فناوری که در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، در حال گسترش است، می‌تواند اطلاعات هویتی افراد را بدون اطلاع آن‌ها ثبت و ذخیره کند (کریمی، ۱۴۰۰، ج ۱۲، ص ۷۸).

از طرفی هم هوش مصنوعی (AI) با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته مانند یادگیری ماشین (Machine learning) و تحلیل کلان‌داده‌ها، توانایی جمع‌آوری و پردازش اطلاعات شخصی را در مقیاس وسیع دارد. این فناوری از طریق ابزارهایی نظیر شناسایی چهره، بدون رضایت افراد، هویت و موقعیت آن‌ها را ثبت می‌کند (کریمی، ۱۴۰۰، ج ۱۲، ص ۸۰). همچنین، سیستم‌های پیشنهاددهنده (Recommendation Systems) در شبکه‌های اجتماعی با تحلیل رفتار کاربران، پروفایل‌های دقیقی از خصوصیات آن‌ها ایجاد می‌کنند که اغلب بدون آگاهی کامل فرد صورت می‌گیرد (یزدانی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳). این داده‌ها ممکن است به شرکت‌ها یا دولت‌ها فروخته شود و حریم خصوصی را نقض کند (West, 2021, p. 35). فقدان قوانین شفاف در ایران این تهدید را تشدید کرده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۷).

علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های کاربردی مبتنی بر هوش مصنوعی، مانند سیستم‌های پیشنهاددهنده، با تحلیل داده‌های کاربران، پروفایل‌های دقیقی از علایق و خصوصیات آن‌ها ایجاد می‌کنند. این داده‌ها اغلب بدون آگاهی کامل کاربران و یا با رضایت‌نامه‌هایی مبهم جمع‌آوری می‌شوند که از منظر اخلاقی و قانونی محل بحث است (یزدانی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲). در ایران، با توجه به فقدان قوانین جامع در زمینه حفاظت از داده‌های شخصی، این موضوع به یک خلأ قانونی تبدیل شده که می‌تواند زمینه‌ساز نقض گسترده حریم خصوصی باشد.

این خلأهای قانونی ناشی از عدم تبیین مبانی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی است. نگارنده این تحقیق با بررسی ادله فقهی ناظر بر رعایت حریم خصوصی و حرمت نقض آن، مبانی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی را ارائه می‌نماید.

با پیشرفت روزافزون فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌ها در حوزه فقه فناوری، مسئله تحلیل داده‌های شخصی کاربران و تطبیق آن با موازین شرعی است. در این میان، سه وضعیت اساسی قابل تصور است که هر یک به نوبه خود نیازمند بررسی مستقل فقهی و حقوقی است:

نخست، استفاده صریح از داده‌های فردی است؛ نظیر انتشار تصویر یا صدای یک شخص در محیط‌های عمومی یا در محصولات نهایی هوش مصنوعی، به گونه‌ای که این اطلاعات برای اشخاص ثالث قابل رؤیت و تشخیص باشد. در این حالت، با توجه به وضوح نقض حریم خصوصی و افشای هویت فرد، لزوم اخذ رضایت قبلی و آگاهانه از منظر شرعی قطعی است و نقض آن مشمول عنوان هتک حرمت و حتی غیبت یا افشای سرّ می‌گردد.

دوم، استفاده غیرصریح از داده‌های فردی است؛ مانند بهره‌گیری از تصویر، صوت یا داده زیستی یک فرد در آموزش مدل‌های یادگیری ماشین، بدون اینکه این داده‌ها مستقیماً در خروجی سیستم قابل تشخیص یا مشاهده باشند. گرچه ممکن است در نگاه اول این نوع استفاده کمتر مخل حریم خصوصی تلقی شود، اما از منظر فقهی، همچنان تصرف در حق فرد بر داده‌هایش است؛ زیرا اصل سلطه انسان بر اطلاعات خود، نه فقط در برابر افشای خارجی بلکه نسبت به هر نوع بهره‌برداری، حتی درونی و غیربازنمایانه، مورد تأکید نصوص دینی است. قاعده فقهی «الناس مسلطون علی أموالهم» که به تبع آن «علی معلوماتهم و أسرارهم» نیز قابل تعمیم است، تصرف بدون اذن در داده‌ها را ممنوع می‌سازد، حتی اگر اثر این تصرف غیرمستقیم و نامرئی باشد.

سوم، پرسش از لزوم رضایت در استفاده غیرصریح است؛ یعنی آیا در مواردی که داده‌های کاربر تنها برای بهبود عملکرد الگوریتم یا آموزش مدل به کار گرفته می‌شوند - بدون آنکه مستقیماً در نتایج قابل مشاهده باشند - اخذ رضایت لازم است یا نه؟ در پاسخ باید گفت که از منظر فقه شیعه، اصل بر لزوم رضایت است، مگر در موارد نادر و استثنایی که ضرورت شرعی، مصلحت عام یا حکم ولایی حاکم اسلامی، آن را منتفی سازد. چنان که قاعده «لاضرر» و «حرمت اضرار» نیز بر این امر تأکید دارند؛ زیرا ممکن است داده‌ای که در ظاهر بی‌ضرر است، در ترکیب با سایر داده‌ها موجب استنباط اطلاعات حساس یا نقض عرض و حیثیت گردد.

از منظر نگارنده، تمایز میان استفاده صریح و غیرصریح نباید موجب تساهل در مواجهه فقهی با مسئله تحلیل داده‌ها گردد. آنچه در هسته این بحث نهفته، حق حاکمیت فرد بر اطلاعات خویش و شأن انسانی اوست. بهره‌برداری غیرمجاز از این اطلاعات، خواه در معرض دید دیگران باشد یا نه، مصداق تصرف غیرمشروع است که در قیاس با قواعد فقهی مانند «احترام عرض مؤمن»، «حرمت غیبت»، «تحریم تجسس» و «قاعده لاضرر» توجیه‌ناپذیر است. به بیان دیگر، فناوری نباید به بهانه‌ی ناپیدا بودن اثر، از تکلیف به رعایت حرمت اطلاعات شخصی معاف گردد.

در پایان، باید تأکید کرد که صرف مخفی بودن روش‌های بهره‌برداری از داده‌ها، موجب سلب حق رضایت و ساکت کردن قواعد فقهی نمی‌شود؛ بلکه در دنیای امروز، فقه پویا موظف است با عمق‌بخشی به مفاهیم سنتی، مرزهای استفاده مجاز و نامجاز از داده‌های شخصی را بازتعریف کند. چنین بازتعریفی نه تنها در پرتو منابع اصیل دینی امکان‌پذیر است، بلکه

ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مواجهه با دنیای دیجیتال و ابزارهای یادگیری هوشمند است که هر لحظه مرز میان حریم و افشا را در هم می‌شکنند.

یکی از پیچیدگی‌های نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، استفاده از داده‌ها برای مصالح عمومی است که ممکن است با رضایت ظاهری کاربران همراه باشد. با این حال، از منظر فقهی، این رضایت‌ها به دلیل عدم آگاهی کامل کاربران از نحوه استفاده از داده‌ها و پیچیدگی‌های فنی، ممکن است شروط صحت رضایت (مانند علم به موضوع و اختیار) را برآورده نکنند. این مسئله، ضرورت بررسی فقهی اعتبار چنین رضایت‌هایی و تدوین ضوابط شرعی برای استفاده از داده‌ها را مطرح می‌کند.

۴. جلوگیری از اشاعه فحشا

انسان یک موجود اجتماعی است و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود؛ پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی‌اش. بر همین اساس، شریعت با هر کاری که جو جامعه را مسموم و آلوده کند، شدیداً برخورد خواهد کرد. اگر در اسلام غیبت ممنوع شده، به این علت است که عیوب پنهانی دیگران آشکار می‌شود و امنیت روانی و اجتماعی و اخلاقی جامعه به خطر می‌افتد. اگر دستور عیب‌پوشی داده شده، بر این اساس است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند. هوش مصنوعی به دلیل نقض حریم خصوصی به صورت‌های گوناگون مانند انتشار تصاویر خصوصی افراد، زمینه اشاعه فحشا را فراهم می‌آورد. مهم‌ترین ادله در خصوص جرم‌انگاری اشاعه فحشا توسط هوش مصنوعی، آیه نوزده سوره مبارکه نور است.

خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)

«کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛

و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید!»

اکثریت مفسران معنای «يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» را آشکار کردن و منتشر کردن اعمال زشت دیگران در

میان مسلمانان گرفته، و گفته‌اند: «فِي الَّذِينَ آمَنُوا» متعلق «تشیع» است و «فی» هم به معنای ظرفیت و به معنای «در میان» و «در

بین» است (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۴۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۲۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۹۳).

مراد از فاحشه هر امری است که موافق حق نباشد (فراهِیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۹۶) و از حد خود تجاوز کرده

(جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴) و جزو امور قبیح و شنیع مورد کراهت (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۷۸) باشد؛ چه

در محدوده افعال و چه در اقوال را فحشا می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۲۶). پس فاحشه در لغت و اصطلاح دارای

یک معنای عام است، هر چند استعمال آن در زنا شیوع دارد و در قرآن مجید هم گاهی درباره زنا و گاهی برای عمل لواط به کار رفته است. شاید این مطلب از آیات دیگر قرآن کریم روشن شود؛ مثل: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (آل عمران: ۱۳۵) که هر گناه و معصیتی را شامل می‌شود، و یا «إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» (نساء: ۱۹) که شیخ طوسی فرموده بهتر است فاحشه شامل هر معصیتی بشود، زیرا در اینجا عموم اراده شده است، و با روایتی از امام محمد باقر (ع) نیز مطابقت دارد (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۵۰). همچنین درباره اعمال قبیح و زشتی که در جاهلیت مرسوم بود، آیه «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً» (اعراف: ۲۸) نازل شده است. به عبارت دیگر، اشاعه فحشا منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی‌اساسی را در مورد زن و مرد باایمانی نشر دهد و آن‌ها را به عمل منافی عفت متهم سازد؛ گرچه این یکی از مصادیق آن است، این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و کمک به توسعه آن را در بر می‌گیرد. معنای «اشاعه فحشا» یعنی منتشر کردن خبر فاحشه؛ چون شیوع از صفات اخبار است، مثل افشا که در مورد خبر به کار می‌رود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸، ص ۱۴۷).

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «خدای متعال در ضمن چند آیه مشخص می‌فرماید جامعه اسلامی نه تنها امنیت نظامی و مالی، بلکه امنیت حیثیتی هم لازم دارد. امنیت اجتماعی از بهترین نعمت‌های الهی است و به این معناست که افراد جامعه و امت اسلامی احساس امنیت بکنند؛ یعنی بدانند جان و مال و آبروی آن‌ها محفوظ است. همه باید آبروی یکدیگر را حفظ بکنند، چیزی را که شنیدند فوراً منتشر نکنند و چیزی را که شنیدند تا می‌توانند کتمان کنند و اصلاح کنند تا امنیت حیثیت و آبروی مردم در جامعه محفوظ بماند.»

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که نقض حریم خصوصی از مصادیق فحشا در آیه مذکور است.

در فقه شیعه، جلوگیری از اشاعه فحشا یکی از اهداف اساسی شریعت است که در مواجهه با فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی (AI) و نقض حریم خصوصی، اهمیتی دوچندان می‌یابد. همان‌طوری که بیان شد، قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره نور، اشاعه فحشا را نکوهش کرده و آن را عملی شیطانی می‌داند که برای جامعه مؤمنان زیان‌بار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۱۲). این اصل در موضوع جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، که می‌تواند به انتشار محتوای غیراخلاقی یا افشای اسرار افراد منجر شود، جایگاه ویژه‌ای دارد.

هوش مصنوعی با توانایی‌هایی نظیر پردازش داده‌های شخصی، تولید محتوای جعلی (Deepfake)، یا تحلیل رفتارهای خصوصی، می‌تواند به ابزاری برای ترویج فحشا تبدیل شود. به عنوان مثال، افشای تصاویر یا اطلاعات خصوصی افراد بدون رضایت، که از طریق الگوریتم‌های هوشمند امکان‌پذیر است، مصداقی از اشاعه فحشا است که در فقه شیعه به شدت محکوم شده است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۹۲). امام رضا (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا»؛ یعنی کسی که فحشا

را منتشر کند، مانند آغازگر آن است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۲۴۵). این روایت، مسئولیت سنگین جلوگیری از انتشار محتوای ناشایست را گوشزد می‌کند.

شیخ مفید در *المقنعه* اشاعه فحشا را از گناهان کبیره دانسته و بر لزوم برخورد قاطع با عوامل آن تأکید دارد (مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۲۱). در این راستا، استفاده از هوش مصنوعی برای نفوذ به حریم خصوصی و انتشار اطلاعات حساس، مانند ویدئوهای شخصی یا داده‌های خانوادگی، عملی است که نه تنها حرمت افراد را نقض می‌کند، بلکه به فساد اجتماعی دامن می‌زند. مرحوم کرکی در *جامع المقاصد* نیز با استناد به آیات و روایات، حفظ جامعه از فحشا را وظیفه شرعی حاکم اسلامی دانسته و هرگونه تسهیل در اشاعه آن را مستوجب عقوبت می‌شمارد (محقق کرکی، ۱۴۱۶ ق، ج ۸، ص ۱۸۹).

از سوی دیگر، علامه مجلسی در *بحار الانوار* به نقل از پیامبر (ص) آورده است که: «جلوگیری از فحشا، از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۲، ص ۳۰۱). در عصر حاضر، سوءاستفاده از هوش مصنوعی برای تولید محتوای غیراخلاقی یا پخش اطلاعات خصوصی، این منکر را تشدید می‌کند. به عنوان مثال، فناوری‌هایی مانند دیپ‌فیک می‌توانند چهره افراد را در محتوای غیرمجاز جعل کرده و به حیثیت و اخلاق جامعه لطمه بزنند؛ چنین امری در فقه شیعه، تحت هیچ شرایطی، قابل توجیه نیست.

در ایران، گسترش کاربرد هوش مصنوعی بدون ضوابط شرعی، خطر اشاعه فحشا را افزایش داده است. از این‌رو، جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط این فناوری، نه تنها به حفظ حرمت افراد کمک می‌کند، بلکه از منظر فقهی، ابزاری برای تحقق مقاصد شریعت در جلوگیری از فساد اخلاقی است. تدوین قوانین مبتنی بر فقه شیعه برای کنترل این فناوری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا جامعه اسلامی از آسیب‌های اشاعه فحشا مصون بماند.

در مواردی که هوش مصنوعی برای مصالح عمومی (مانند نظارت امنیتی) استفاده می‌شود، ممکن است به دلیل عدم شفافیت در الگوریتم‌ها یا فقدان رضایت آگاهانه، به انتشار محتوای غیراخلاقی یا نقض حریم خصوصی منجر شود. این امر از منظر فقهی، مصداق اشاعه فحشا است و نیازمند تدوین ضوابطی است که تعادل میان مصلحت عامه و جلوگیری از مفاسد اخلاقی را تضمین کند.

۵. احترام منزل

از نظر اسلام، ورود به خانه دیگران بدون اطلاع دادن و اجازه گرفتن، حرام است. این حکم که مورد اتفاق نظر میان مسلمانان است، مستند به نص قرآنی است که مؤمنان را از چنین کاری نهی کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور: ۲۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید!»

علامه طباطبایی در ذیل آیه مذکور می‌گوید: «انسان گاه در شرایطی قرار دارد که تمایل ندارد هیچ کس او را آن گونه ببیند یا از وضع او آگاه شود. رعایت استیذان موجب آن می‌شود که شخص بتواند آنچه را که نمی‌خواهد آشکار باشد، پنهان و مستور سازد و بدین وسیله امنیت خاطر داشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۱۰).

پس «کشف حرام و گناه» را باید به آشکار شدن آنچه خود شخص تمایل به ظهور و بروز آن ندارد، تعمیم داد. این دستور، خانه را از نظر حقوقی در حصنی قرار می‌دهد که اشخاص بتوانند با آرامش خاطر، زندگی خصوصی داشته باشند. از این رو، این حکم را با حکم لزوم اجازه برای ورود به ملک غیر یا حکم لزوم اجتناب از نگاه به نامحرم نباید خلط کرد.

استاد شهید مطهری هم درباره فلسفه لزوم استیذان می‌گوید: «هر کس در محل سکونت خود اسراری دارد و مایل نیست دیگران بفهمند. حتی دو نفر رفیق صمیمی هم باید این نکته را رعایت کنند؛ زیرا ممکن است دو دوست یکرنگ در عین یگانگی و یکرنگی، هر کدام از نظر زندگی خصوصی اسراری داشته باشند که نخواهند دیگری بفهمد. بنابراین نباید فکر کرد که دستور استیذان اختصاص دارد به خانه‌هایی که در آن‌ها زن زندگی می‌کند. این وظیفه مطلق و عام است. مردان و زنانی که مقید به پوشش هم نیستند، ممکن است در خانه خود وضعی داشته باشند که نخواهند دیگران آنان را به آن حال ببینند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۶۹).

به هر حال آیه ۲۷ سوره نور، ما را مطلقاً از ورود بدون اذن و رضایت به خانه دیگران منع می‌نماید. از طرفی هم در اسلام، کسانی که در یک مسکن زندگی می‌کنند و برای ورود به منزل محدودیتی ندارند، مانند اعضای یک خانواده که همه کلید خانه را در اختیار دارند، از نظر حضور در قسمت‌های مختلف خانه با محدودیت‌هایی مواجه‌اند. فرزندان برای حضور نزد والدین در اوقات خاصی باید اذن قبلی داشته باشند و مجاز به حضور سرزده در نزد آنان نیستند. حتی به کودکان خردسال هم که هنوز به بلوغ و تکلیف نرسیده‌اند، باید این ادب را آموخت و آن‌ها را به رعایت آن واداشت.

در قرآن کریم در سه وقت که معمولاً اوقات خلوت والدین به شمار می‌آیند، اجازه گرفتن و استیذان لازم شمرده شده است:

الف) قبل از نماز صبح؛

ب) نیمروز که لباس خود را بیرون می‌آورید؛

ج) بعد از نماز عشاء.

محدودیت حضور در این اوقات برای آن است که والدین از پوشش کمتری استفاده می‌کنند و فرزندان نباید در خلوت و تنهایی آنان مزاحمت ایجاد کنند. البته در مواقع دیگر این محدودیت وجود ندارد و اعضای خانواده برای ارتباط با یکدیگر ممنوعیتی ندارند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصُومُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نور: ۵۸)

از این آیه فهمیده می‌شود که زندگی خصوصی دارای لایه‌های مختلفی است و ورود به یک لایه به معنی مجاز بودن برای ورود به لایه‌های دیگر نیست.

حکم دیگری که در تأمین امنیت به‌ویژه مسکن و حفظ حریم خصوصی نقش مهمی دارد، «حرمت نگاه به داخل خانه دیگران» است. همان‌گونه که ورود فیزیکی به خانه مردم ممنوع است، هیچ کس حق ندارد با نگاه خود وارد خانه دیگری شده، زندگی و روابط آن‌ها را بازبینی کند. این حکم مسلم فقهی مورد توافق همه فرقه‌های اسلامی است. از پیامبر اکرم (ص) نقل است که از نگاه به خانه همسایه و سرکشیدن برای خبرگیری از وضع آنان نهی می‌فرمود.

نکته مهم این است که در فقه اسلامی اجازه داده شده است بر مبنای مشروعیت دفاع از عرض و حریم زندگی خصوصی، اشخاصی که در خانه خود با تعرض نگاه دیگران مواجه می‌شوند به دفاع برخاسته و خودشان با فرد خاطی برخورد کنند. حتی در نصوص دینی اجازه داده شده که صاحبخانه می‌تواند چشم مزاحم را هدف قرار داده و او را کور کند. این مسئله در فقه شیعه با اجماع و اتفاق نظر مواجه است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۱۰). دلیل این حکم روایات معتبر فراوان هستند؛ برای مثال امام صادق (ع) در حدیث صحیح حماد بن عیسی فرمود: «بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي بَعْضِ حُجُرَاتِهِ إِذَا أَطْلَعَ رَجُلٌ مِنْ سَقِ الْبَابِ وَيَدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِدْرَاقًا، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُ قَرِيبًا مِنْكَ لَنَفَقْتُ بِهَا عَيْنَكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۹، ص ۶۶)؛ پیامبر (ص) در یکی از اتاق‌های خود نشسته بود که فردی از لای در به داخل اتاق نگاه کرد. رسول خدا (ص) در حالی که چوب‌دستی در دست داشت فرمود: اگر نزدیک بودم با همین چوب چشمت را درمی‌آوردم.

تحلیل فقها از روایاتی با مضمون یادشده که صاحبخانه را مجاز به برخورد خشونت‌آمیز با نگاه‌کننده می‌دانند، آن است که این واکنش به عنوان «دفاع» صورت می‌گیرد و محدود به ضوابطی است که در باب دفاع وجود دارند؛ برای مثال، برخورد تند و خشن صرفاً در صورتی مجاز است که ممانعت با شیوه ساده‌تر امکان‌پذیر نبوده و فرد متجاوز بر کار ضد اخلاقی خود اصرار داشته باشد.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که در اسلام، احترام منزل با عناوین متعددی مانند محدودیت ورود، محدودیت حضور و محدودیت نگاه مطرح شده است که آن را به‌طور اختصار می‌توان در جدول زیر نشان داد:

ردیف	عنوان	آیه و روایات مربوط	حکم
۱	محدودیت ورود	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا	حرمت ورود به خانه دیگران بدون اطلاع
۲	محدودیت حضور	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ	ورود به خلوت دیگران منوط به اذن گرفتن
۳	محدودیت نگاه	يَتِمَّمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي بَعْضِ حُجَرَاتِهِ	دفاع از حریم خصوصی

هر سه حکم بدست آمده از آیات و روایات مذکور، حاکی از آن است که حریم خصوصی انسان‌ها ارزشمند بوده و از منظر اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. به همین دلیل در فقه شیعه هم، حفظ حریم خصوصی افراد از اصول بنیادینی است که ریشه در نصوص دینی و استنباط‌های فقهی دارد و با ظهور فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی (AI)، اهمیت آن بیش از پیش نمایان شده است. آیه ۲۷ سوره نور، همان‌طور که توضیح آن گذشت، به صراحت بر لزوم کسب اجازه پیش از ورود به منزل افراد تأکید دارد و مبنای قرآنی این موضوع است و ورود بدون رضایت را عملی حرام و ناقض شریعت می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۱۰). این اصل، نه تنها به حریم فیزیکی منزل، بلکه به هرگونه تعرض به امور شخصی افراد تعمیم داده شده است. در عصر حاضر، هوش مصنوعی با ابزارهایی نظیر دوربین‌های هوشمند، سیستم‌های تشخیص چهره و الگوریتم‌های تحلیل داده، قادر است بدون اطلاع یا رضایت افراد به حریم خصوصی آن‌ها نفوذ کند؛ امری که از منظر فقهی نیازمند بررسی دقیق است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۶۸).

شیخ طوسی در *النهاية في مجرد الفقه والفتاوى* ورود غیرمجاز به حریم افراد را مصداق بارز تعدی به حقوق شرعی دانسته و آن را مستوجب عقوبت می‌شمارد (طوسی، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۴۵). این دیدگاه با روایات متعددی از معصومان (ع) تقویت می‌شود. به عنوان مثال، در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «لا تجسسوا فی أمور الناس» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۴) که به معنای حرمت تجسس در امور خصوصی افراد است و این حرمت، شامل هرگونه نفوذ به حریم شخصی، حتی با ابزارهای فناورانه، می‌شود. مرحوم نجفی در *جواهر الکلام* نیز با استناد به این مبانی، نقض حریم خصوصی را عملی برخلاف شرع و قابل پیگرد فقهی تلقی کرده و بر لزوم جرم‌انگاری آن تأکید دارد (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۲۱، ص ۱۱۲).

از سوی دیگر، علامه حلی در *تحریر الأحكام الشرعية* منزل را به‌عنوان حریم امن افراد معرفی کرده و هرگونه تعرض به آن، چه به صورت فیزیکی و چه غیرمستقیم، را نفی می‌کند (حلی، ۱۳۸۰ ق، ج ۳، ص ۱۸۹). این دیدگاه با نظر شیخ انصاری در مکاسب هم‌راست است که حفظ حرمت حریم را از مصادیق احترام به مالکیت و حقوق فردی می‌داند و هرگونه نقض آن را حرام اعلام می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۳۲۱). در این چارچوب، استفاده از هوش مصنوعی برای ورود به حریم افراد، مانند جمع‌آوری داده‌های شخصی بدون رضایت یا نظارت بر رفتارهای خصوصی از طریق فناوری‌های پیشرفته، به مثابه تجاوز به این حریم امن تلقی می‌شود.

در شرایط کنونی، گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی در ایران و جهان، از جمله استفاده از سیستم‌های نظارتی در اماکن عمومی یا تحلیل داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، این تهدید را تشدید کرده است. این ابزارها، بدون اطلاع صریح یا رضایت آگاهانه افراد، اطلاعات حساس را جمع‌آوری و ذخیره می‌کنند که از منظر فقهی، مصداق بارز تجسس و تعدی به حریم خصوصی است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۰). فقدان قوانین جامع در ایران برای تنظیم این فناوری‌ها، خلأیی را ایجاد کرده که ضرورت تدوین احکام فقهی و حقوقی متناسب با شرایط نوین را نشان می‌دهد.

در نتیجه، از دیدگاه فقه شیعه، نقض حریم و منزل افراد توسط هوش مصنوعی، عملی حرام و قابل جرم‌انگاری است. این موضوع نه تنها نیازمند بازنگری در احکام سنتی، بلکه تدوین ضوابطی دقیق برای انطباق فناوری با اصول شرعی است تا حرمت حریم خصوصی افراد حفظ شود.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت: هوش مصنوعی با ابزارهایی نظیر دوربین‌های نظارتی هوشمند، حسگرهای خانگی و الگوریتم‌های تحلیل داده، امکان نفوذ غیرفیزیکی به حریم منزل را فراهم کرده است. این فناوری‌ها که گاه برای مصلحت عامه مانند تأمین امنیت محله یا مدیریت مصرف انرژی به کار می‌روند، می‌توانند بدون اطلاع یا رضایت صریح ساکنان، داده‌های حساس (مانند الگوهای رفتاری، تصاویر خصوصی یا مکالمات) را جمع‌آوری کنند. از منظر فقه شیعه، این نفوذ مصداق تعرض به حریم مقدس منزل است که در آیه ۲۷ سوره نور و روایات متعدد مانند حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «شَرُّ النَّاسِ الظَّالِمُونَ وَ شَرُّ الظَّالِمِينَ الْمُتَجَسِّسُونَ وَ شَرُّ الْمُتَجَسِّسِينَ الْقَوَالُونَ وَ شَرُّ الْقَوَالِينَ الْهَتَّاكُونَ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۴۷، باب ۱۴)، به شدت نهی شده است.

چالشی اساسی در این حوزه، تعارض میان مصلحت عامه و حق حریم خصوصی منزل است. برای مثال، استفاده از دوربین‌های هوشمند در اماکن عمومی یا مجتمع‌های مسکونی برای پیشگیری از جرم، ممکن است به نظارت غیرمجاز بر فضای خصوصی منازل منجر شود. از منظر فقهی، قاعده «تراحم» (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۲) برای حل این تعارض به کار می‌رود. قاعده «مصلحت اهم» ایجاب می‌کند که مصلحت عمومی، مانند امنیت، تنها در صورتی مقدم شود که حدود شرعی رعایت گردد و رضایت آگاهانه ساکنان اخذ شده باشد. با این حال، رضایت‌های مبهم یا ضمنی (مانند قراردادهای کلی مدیریت ساختمان) اغلب فاقد شروط فقهی رضایت، نظیر علم به موضوع و اختیار، هستند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۰). قاعده «لا ضرر» (شیخ الشریعه اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۱) نیز هرگونه نقض حریم خصوصی را که به ضرر ساکنان باشد، ممنوع می‌داند.

شیخ طوسی در *النهاية* ورود غیرمجاز به حریم افراد را مستوجب عقوبت می‌شمارد (طوسی، ۱۴۰۰، ق، ص ۲۴۵). در عصر دیجیتال، این حکم به نفوذهای فناورانه تعمیم می‌یابد. برای رفع این چالش، لازم است ضوابط فقهی نظیر الزام به شفافیت در کاربرد فناوری، اخذ رضایت صریح و نظارت شرعی بر سیستم‌های نظارتی تدوین شود. حاکم اسلامی می‌تواند با استناد

به قاعده «حفظ نظام»، چارچوبی برای استفاده مشروع از هوش مصنوعی در راستای مصلحت عامه ارائه دهد که حریم منزل را مصون نگه دارد.

۶. تعارض مصلحت عامه و حق حریم خصوصی (تحلیل فقهی در مواجهه با هوش مصنوعی)

هوش مصنوعی با قابلیت جمع‌آوری و تحلیل کلان‌داده‌ها، امکاناتی نظیر ارتقای امنیت عمومی، پیشرفت‌های پزشکی و بهینه‌سازی خدمات را فراهم می‌کند که به مصلحت عامه خدمت می‌کنند. با این حال، این کاربردها اغلب با نقض حریم خصوصی همراهند، حتی اگر رضایت ظاهری کاربران اخذ شده باشد. این تعارض، پرسش‌های فقهی عمیقی را مطرح می‌کند: آیا مصلحت عامه بر حق حریم خصوصی مقدم است؟ و آیا رضایت‌های دیجیتال از منظر فقهی معتبرند؟

از منظر فقه شیعه، قاعده «تزاحم» برای حل تعارض میان ادله حفظ حریم خصوصی (مانند حرمت تجسس) و مصلحت عامه (مانند حفظ نظام) به کار می‌رود (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۱۲). قاعده «مصلحت اهم» ایجاب می‌کند که مصلحت عمومی در مواردی مانند امنیت یا سلامت عمومی، مشروط به رعایت حدود شرعی، اولویت یابد. با این حال، نقض حریم خصوصی بدون ضوابط مشخص، به دلیل احتمال مفاسد اخلاقی مانند اشاعه فحشا (نور: ۱۹) یا لطمه به حیثیت افراد، توجیه‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۵).

رضایت‌های دیجیتال، مانند شرایط استفاده در اپلیکیشن‌ها، اغلب فاقد شروط فقهی رضایت آگاهانه (علم به موضوع، قصد و رضا) هستند؛ زیرا کاربران از نحوه استفاده آتی داده‌های بی‌اطلاعت (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۰). قاعده «لا ضرر» (شیخ الشریعه اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۰) تأکید می‌کند که رضایت مبهم، مجوز نقض حریم خصوصی نیست. همچنین، ماهیت «جعبه سیاه» الگوریتم‌های هوش مصنوعی، احراز مسئولیت فقهی در سوءاستفاده‌ها (مانند افشای داده‌ها یا تولید محتوای جعلی) را دشوار می‌کند. قاعده «ضمان» (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۳۲۱) ایجاب می‌کند که توسعه‌دهندگان یا نهادهای ناظر، مسئول خسارات ناشی از نقض حریم خصوصی باشند.

برای حل این تعارض، تدوین ضوابط فقهی مبتنی بر شفافیت الگوریتم‌ها، اخذ رضایت صریح و آگاهانه، و نظارت شرعی ضروری است. حاکم اسلامی می‌تواند با استناد به مصلحت اهم، چارچوب‌هایی برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی وضع کند که تعادل میان مصلحت عامه و حقوق فردی را حفظ کند. این رویکرد، ضمن بهره‌مندی از فناوری، از ارزش‌های اسلامی محافظت می‌کند.

۷. احترام به حیثیت افراد

اهمیت آبرو و عرض، مال و عمل شخص مؤمن به قدری در پیشگاه فقیهان محترم و با ارزش بوده که با استفاده از آیات و روایات اقدام به تأسیس قاعده‌ای فقهی به نام «قاعده احترام مال مسلم» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۲۱۸) در همین خصوص کرده‌اند که از اهم قواعد فقهی کاربردی در باب‌های مختلف فقه به شمار می‌آید.

(الف) شهید ثانی می‌نویسد: «وَالْأَقْوَىٰ وَجُوبُ الدَّفْعِ عَنِ النَّفْسِ وَ الْحَرِيمِ مَعَ الْإِمْكَانِ» (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۵، ص ۵۰). اهمیت عرض مؤمن در متون فقهی تا جایی است که فقیه بزرگوار کاشف‌الغطاء در بیان مسائل حج می‌فرماید: «وَلَوْ أَتَقَرَّ فِي الْمَسِيرِ إِلَى الْقِتَالِ، وَ أَطْمَأَنَّ بِالسَّلَامَةِ، وَ جَبَّ عَلَيْهِ السَّيْرُ وَ الْمُقَاتَلَةُ، ... وَ لَوْ خَافَ مِنَ الْعَدُوِّ وَ بِسَبَبِ سَفَرَةٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنٌ أَوْ يُهْتَكَ عَرَضُ مُؤْمِنٍ، سَقَطَ الْوُجُوبُ ...» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۴۸۷)؛ اگر در مسیر سفر به حج احتیاج به جنگ کردن باشد و انسان اطمینان به سالم رسیدن داشته باشد، واجب است که این راه و مسیر را برود و در راه هم جنگ نماید. وی در ادامه می‌فرماید: ولی اگر ترس از دشمن بدین صورت باشد که در سفر مؤمنی کشته شود یا عرض و آبروی او مورد هتک قرار گیرد، حج از او ساقط است.

(ب) علامه مامقانی در باب غیبت و در بیان مراد از مؤمن می‌فرماید: «بِالْجُمْلَةِ عُمُومُ أدِلَّةِ الْغَيْبَةِ وَ خُصُوصُ ذِكْرِ الْمُسْلِمِ يَدُلُّ عَلَى التَّحْرِيمِ (مُطْلَقًا) وَ أَنَّ عَرَضَ الْمُسْلِمِ كَدَمِهِ وَ مَالِهِ فَكَمَا لَا يَجُوزُ اخْتِدَامُ مَالِ الْمُخَالَفِ وَ قَتْلُهُ لَا يَجُوزُ تَنَاوُلُ عَرَضِهِ الَّذِي هُوَ الْغَيْبَةُ» (مامقانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۱۱)؛ ... و همانا عرض و آبروی مسلمان مثل خورش و مالش است و همان‌طور که نمی‌شود مالش و جانش را به زور (با مخالفتش) گرفت، همچنان نمی‌شود و جایز نیست دست رساندن (خوردن و از بین بردن) آبرویش؛ خوردنی و از بین بردنی که با غیبت صورت می‌گیرد.

(ج) امام خمینی در بیان حکم تقیه زمانی که ترسی از عرض و آبرو و یا مال مؤمنی باشد می‌فرماید: «الظَّاهِرُ عَدَمُ جَوَازِ التَّمَسُّكِ لَهُ بِمُطْلَقَاتِ أدِلَّةِ التَّقِيَةِ، لِأَنَّ عُنْوَانَهَا غَيْرُ صَادِقٍ ظَاهِرًا إِلَّا عَلَى الْخَوْفِ عَلَى مَا يَتَعَلَّقُ بِالْمُتَّقِي مِنَ النَّفْسِ وَ الْعَرَضِ وَ الْمَالِ، سَوَاءً كَانَ مِنْهُ أَوْ مِنْ يَتَعَلَّقُ بِهِ الَّذِي بِمَنْزِلَتِهِ ...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴۳)؛ ظاهر عدم جواز تمسک به مطلقات ادله تقیه (جواز انجام مقدمات حرام در تقیه اکراهیه و اضطراریه) است؛ زیرا این‌جا عنوان تقیه اکراهیه و اضطراریه صادق نیست، مگر این که ترس بر آنچه که متعلق است به شخص متقی که شامل جان، عرض و آبرو و مالش است؛ خواه مال خودش باشد و یا برای شخصی باشد که به منزله شخص متقی است.

(د) آیت‌الله تبریزی در باب غیبت می‌فرماید: «أَنَّهُ لَا يَجُوزُ إِظْهَارُ مَا فِيهِ نَقْصُ عَرَضِ الْمُؤْمِنِ وَ سُقُوطُهُ عَنْ أَعْيُنِ النَّاسِ» (تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۲)؛ همانا جایز نیست بیان آن چیزی که باعث کاسته شدن آبروی مؤمن و افتادن آن از جلوی چشم مردم باشد (منظور تنزل موقعیت اجتماعی است).

در روایات و متون فقهی عبارت‌هایی است که نشان می‌دهد حتی کاسته شدن از آبروی مؤمن نیز امری نارواست، چه رسد که باعث از بین رفتن آبروی مسلمان و مؤمنی گردد. لذا با توجه به مطالب عرضه‌شده، هرگونه لطمه زدن به آبرو و عرض شخص مسلمان جایز نبوده و حرام به شمار می‌آید.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت: در فقه شیعه، احترام به حیثیت و آبروی افراد از اصول اساسی است که با استناد به قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته و در مواجهه با فناوری هوش مصنوعی (AI) و نقض حریم خصوصی، اهمیت مضاعفی می‌یابد. آیه ۱۱ سوره حجرات بر حرمت هتک حرمت و تحقیر افراد دلالت دارد و هرگونه اقدام که به حیثیت انسان لطمه زند را نهی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۵). این اصل در موضوع جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، که می‌تواند با افشای اطلاعات شخصی به آبروی افراد آسیب رساند، جایگاه ویژه‌ای دارد.

از منظر روایی، امام باقر (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «حفظ آبرو از حفظ جان مهم‌تر است» که نشان‌دهنده تقدم حیثیت بر سایر حقوق در شریعت است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۱۹۲). هوش مصنوعی با قابلیت‌هایی نظیر تحلیل داده‌های شخصی یا انتشار اطلاعات حساس از طریق الگوریتم‌ها، می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حیثیت افراد را مخدوش کند. به عنوان مثال، افشای داده‌های پزشکی یا مالی توسط سیستم‌های هوشمند بدون رضایت، مصداقی از هتک حرمت است که در فقه شیعه محکوم است.

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه، حفظ آبروی مؤمن را وظیفه شرعی دانسته و هر عملی که به این حیثیت خدشه وارد کند را گناهی کبیره تلقی کرده است (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۲۷۸). در این راستا، استفاده از هوش مصنوعی برای نظارت غیرمجاز یا سوءاستفاده از اطلاعات شخصی، مانند انتشار تصاویر خصوصی یا تحلیل رفتارهای فردی بدون اجازه، از منظر فقهی عملی ناپسند و قابل پیگرد است. مرحوم فیض کاشانی نیز در الوافی بر این نکته تأکید دارد که حیثیت انسان امانتی الهی است و تعرض به آن، نقض این امانت محسوب می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۴، ص ۱۲۳).

در نظام فقهی شیعه، جرم‌انگاری چنین اعمالی نه تنها به حفظ حقوق فردی کمک می‌کند، بلکه از منظر اجتماعی نیز از فروپاشی اعتماد عمومی جلوگیری می‌کند. با توجه به گسترش کاربرد هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف، از جمله امنیت و تجارت، لزوم تدوین ضوابط شرعی برای جلوگیری از لطمه به حیثیت افراد بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، احترام به حیثیت از دیدگاه فقه شیعه، مبنایی قوی برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی فراهم می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، با توجه به توانایی‌های بی‌سابقه این فناوری در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، چالش‌های نوینی را در برابر فقه اسلامی قرار داده است. این پژوهش نشان داد که اصول فقهی مانند احترام به حریم منزل، جلوگیری از اشاعه فحشا، و حفظ حیثیت افراد، مبانی محکمی برای جرم‌انگاری این پدیده فراهم می‌کنند. با این حال، یکی از چالش‌های اساسی، تعارض میان مصالح عمومی (مانند امنیت و پیشرفت پزشکی) و حق بنیادین حریم خصوصی است. این تعارض زمانی پیچیده‌تر می‌شود که رضایت کاربران، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و عدم شفافیت، فاقد شروط فقهی رضایت آگاهانه باشد. همچنین، ماهیت جعبه سیاه الگوریتم‌های هوش مصنوعی، احراز مسئولیت فقهی در قبال سوءاستفاده‌ها را دشوار می‌سازد. برای رفع این چالش‌ها، تدوین ضوابط فقهی مبتنی بر قواعد تزامم، مصلحت‌آزمی، و شروط صحت عقود ضروری است. این ضوابط باید شفافیت الگوریتم‌ها، اخذ رضایت صریح، و نظارت شرعی بر کاربردهای هوش مصنوعی را تضمین کنند. همکاری میان فقها، حقوق‌دانان، و متخصصان فناوری می‌تواند چارچوبی جامع برای حفظ توازن میان پیشرفت فناوری و پایبندی به ارزش‌های اسلامی ارائه دهد، تا هم از مزایای هوش مصنوعی بهره‌مند شویم و هم از حقوق فردی و اخلاقی جامعه محافظت کنیم.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ق). التحریر و التنویر (ج ۱۸). بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة (ج ۴). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ق). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ ق). کتاب المکاسب (ج ۵). قم: انتشارات کنگره شیخ انصاری.
- تبریزی، جواد. (۱۳۸۳). إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب (چاپ چهارم، ج ۱). قم: دار الصدیقه الشهیده (س).
- جبی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۶ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (ج ۱۵). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه (ج ۳). بیروت: دار العلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (ج ۱۱، ۱۷ و ۲۹). قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۳۸۰ ق). تحریر الأحکام الشرعیة على مذهب الإمامیه (ج ۳). قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (ج ۶ و ۱۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- رحیمی، حسین؛ احمدی، محمود؛ حسینی، سعید. (۱۳۹۹). هوش مصنوعی و چالش‌های حقوقی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زبیدی، محب‌الدین محمد مرتضی. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۱۶). بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

شیخ الشریعه اصفهانی، فتح‌الله بن محمدجواد. (بی تا). قاعدة لا ضرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی) (ج ۱۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۷). بیروت: دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. قم: انتشارات دار الکتاب اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). الخلاف (ج ۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۳ و ۷). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین (ج ۳). قم: نشر هجرت.

فیض کاشانی، محمدمحسن. (۱۴۰۶ ق). الوافی (ج ۱۴). اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: موسسه دار الهجرة.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حکومت قانون و جامعه مدنی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۲، ۸۵-۱۲۰.

کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء (ج ۴). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

کریمی، علی. (۱۴۰۰). فناوری تشخیص چهره و پیامدهای آن بر حریم خصوصی. مجله حقوق فناوری، ج ۱۲، ۷۵-۹۲.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. (تصحیح علی اکبر غفاری) (ج ۲). تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مامقانی، محمدحسن بن عبدالله. (۱۴۲۳ ق). غایه الآمال فی شرح کتاب المکاسب (ج ۱). قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار (ج ۷۲). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۶ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۸). قم: مؤسسه آل البيت (ع).

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). مجموعه آثار (ج ۱۹). تهران: انتشارات صدرا.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ ق). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲۲). تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ ق). القواعد الفقهیة (ج ۲). قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). المکاسب المحرمه (ج ۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۰). تحریر الوسیله (ج ۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی، سید محمد. (۱۳۹۷). حریم خصوصی در فقه اسلامی. قم: انتشارات دار الفکر.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ ق). مصباح الأصول (ج ۱). قم: مکتبه الداوری.

نجفی، محمدحسن (صاحب الجواهر). (۱۳۹۸ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۲۱). قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الإسلامی.

نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۹). بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).

یزدانی، نادر. (۱۳۹۸). شبکه‌های اجتماعی و حریم خصوصی کاربران در عصر دیجیتال. فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ش ۵، ۱۰۲-۱۱۵.

West, Sarah M. (2021). *Data Capitalism: Redefining Privacy in the Age of AI*. New York: MIT Press.

References

Anṣārī, Murtaḍā. (1415 AH). *Kitāb al-Makāsib*. Qom: Publications of the Shaykh Anṣārī Congress. [In Arabic]

- Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. (1380 AH). *Taḥrīr al-Aḥkām al-Sharʿiyyah*. Qom: Muʾassasat Imam al-Ṣādiq (ʿa.s). [In Arabic]
- Ḥurr al-ʿĀmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1409 AH). *Wasāʾil al-Shīʿah*. Qom: Muʾassasat Āl al-Bayt (ʿa.s). [In Arabic]
- Ibn ʿĀshūr, Muḥammad Ṭāhir. (1420 AH). *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*. Beirut: Muʾassasat al-Tārīkh al-ʿArabī. [In Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ʿAli. (1412 AH). *Man Lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*. Qom: Jāmiʿat Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ʿIlmiyyah-yi Qom. [In Arabic]
- Ibn Fāris, Aḥmad. (1404 AH). *Muʿjam Maqāyīs al-Lughah*. Qom: Maktab al-Iʿlām al-Islāmī. [In Arabic]
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. (1405 AH). *Lisān al-ʿArab*. Qom: Nashr Adab-i Ḥawzah. [In Arabic]
- Jawharī, Ismāʿīl ibn Ḥammād. (1410 AH). *Al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lughah wa Ṣiḥāḥ al-ʿArabiyyah*. Beirut: Dār al-ʿIlm li-l-Malāyīn. [In Arabic]
- Jubāʾī ʿĀmilī, Zayn al-Dīn. (1416 AH). *Masālik al-Afhām*. Qom: Muʾassasat al-Maʿārif al-Islāmiyyah. [In Arabic]
- Tabrīzī, Jawād. (1383 SH). *Irshād ilā al-Taʿlīq ʿalā al-Makāsib*. Qom: Dār al-Ṣiddīqah al-Shahīdah. [In Arabic]